

## اعتدال حقوقی سازش

پرویز باقری<sup>۱</sup>، کیومرث همتی<sup>۲</sup>

### چکیده:

پایان دادن به خصومت و احقاق حق، هدف دادرس در دعاوی می‌باشد. بنابراین با توجه به فصل نهم قانون آیین دادرسی مدنی که در مورد سازش است و همچنین گسترش صلاح و سازش متأثر از فرهنگ ایرانی اسلامی می‌تواند در این راستا بسیار مؤثر باشد. نهاد سازش از جمله روش‌های کارآمد در این مورد است، چراکه سوابق قانونی و فقهی نیز بر این امر صحنه می‌گذارد. نهاد سازش که برای حل و فصل اختلافات است، به نظر با عقد صلاح در مقام تنازع مقرر در قانون مدنی در ارتباط تنگاتنگی باشد اما چنانچه با پوشش قضایی و در نزد قاضی صورت گیرد، مطابق آیین دادرسی مدنی منتهی به صدور گزارش اصلاحی می‌گردد. با توجه به اینکه گزارش اصلاحی مطابق قانون، از سوی قاضی محکمه و به جانشینی از رأی دادگاه صادر و موجب فصل خصومت می‌شود بنابراین می‌توان گفت گزارش اصلاحی نمی‌تواند یک تصمیم اداری یا حسبی باشد بلکه یک تصمیم قضایی است که از آثار مترتب بر آرای قضایی نیز برخوردار بوده و منجر به نوعی اعتدال قضایی بین طرفین می‌گردد. گزارش اصلاحی نه حکم و نه قرار بلکه قرارداد قضایی می‌باشد، بنابراین قابل تجدید نظر و سایر طرق شکایت از آراء نمی‌باشد، و نسبت به آن تنها می‌توان دعوی فسخ یا بطلان را مطرح کرد

کلید واژگان: مبانی حقوقی سازش اعتدال قضایی گزارش اصلاحی

<sup>۱</sup> استادیار گروه حقوق دانشگاه پیام نور  
<sup>۲</sup> کارشناس ارشد حقوق خصوصی

## ۱. مقدمه:

می‌توان گفت مبنا و ریشه تفکر نهادهای سازشی (شبه قضایی) همان ماده ۶ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب است. از این منظر حل و فصل اختلافات توسط نهادهای سازش یا به‌وسیلهٔ افراد درگیر به‌طور عادلانه خارج از تشریفات آیین دادرسی مدنی، بلند پروازانه به نظر می‌رسد.

سازش، یکی از موجبات زوال دعوی طرفین با یکدیگر است. به عبارت دیگر افراد جامعه ممکن است اختلافات فی‌مابین خود را با توافق حل کنند و هرگونه صلاح بدانند، آزادانه شرایط صلح را تعیین کنند. اگر چنین قراردادی خارج از دادگاه منعقد شود تحت حاکمیت اصل لزوم قراردادهای قرار می‌گیرد و میان طرفین و قائم‌مقام قانونی آنها لازم‌الاجرا می‌باشد. اما گاهی اصحاب دعوا برای اینکه به اختلافات خویش پایان دهند، به مصالحه و سازشی روی می‌آورند که به موجب آن هر یک از طرفین از قسمتی از ادعاهای خود چشم‌پوشی نموده و از دادگاه درخواست می‌نمایند، قراردادی را که بر این مبنا منعقد نموده‌اند را تثبیت نموده و رسمیت بخشد. در این صورت دادگاه موضوع سازش و شرایط آن را به ترتیبی که واقع شده در صورت‌مجلس منعقد و به امضای طرفین و خود رسانده و با اعلام ختم دادرسی اقدام به صدور گزارش اصلاحی می‌نماید.

یکی از آثار سازش، گزارش اصلاحی است اما قانون‌گذار به‌طور ویژه به آن نپرداخته است. دادگاه پس از سازش، اقدام به صدور گزارش اصلاحی می‌کند ولی قانون‌گذار ماهیت آن را مشخص نکرده است و نکات مبهمی در این زمینه وجود دارد. اینکه گزارش اصلاحی حکم است یا قرار و یا قرارداد قضایی، باید به آن پاسخ داده شود. همچنین سعی شده است به این سؤال پاسخ دهیم که آیا گزارش اصلاحی دارای اعتبار امر قضاوت شده است یا خیر؟

این مقاله به‌صورت کتابخانه‌ای گردآوری شده و منابع مورداستفاده کتب، مقالات و منابع اینترنتی است.

## ۲. سازش در فقه اسلامی:

صلح در لغت به معنای مسالمت و سازش آمده است. ۱. صلح در موضوع جنگ و صلح و در موضوعات فقهی نیز با این معنای لغوی، تناسب بسیار دارد.

فقها در تعریف صلح آورده‌اند: «صلح، عقد لازمی برای رفع نزاع و خصومت در میان مسلمانان است». ۲. بعضی از حقوق‌دانان نیز در تعریف صلح آورده‌اند: «صلح؛ در اصطلاح، عبارت از تراضی و تسالم بر امری است، خواه تملیک عین باشد یا منفعت و یا اسقاط دین و یا حق و یا غیر آن» ۳

در تحقق صلح لازم نیست به صیغهٔ خاصی و یا به زبان عربی باشد لذا گفته‌اند:

لازم نیست صیغهٔ صلح به عربی خوانده شود، بلکه با هر لفظی که بفهماند باهم صلح و سازش کرده‌اند (صلح) صحیح است. ۵

صلاح از جمله عقود لازم است که بر طرفین پایبندی به آن لازم بوده و حق برهم زدن عقد را هم ندارند؛ بله، هرگاه هر دو طرف راضی شوند که صلاح را بر هم زنند و یا یکی از خيارات محقق شود؛ جایز است. صلاح فسخ گردد. ۷.

البته صلاح به معنای دیگری نیز در فقه وجود دارد که منظور صلاح در جنگ است که در باب المهادنه مطرح می‌شود و به آن عقد المهادنه و عقد الّهْدنه نیز گفته می‌شود. ۸.

در منابع اسلامی پدیده "جماعت" و "شورا" به‌طور جدی مورد توجه بوده است و در این باره ۲ روایت و مضمون شبیه به هم در منابع اسلامی وجود دارد الجماعه رحمه؛ جماعت رحمت است و (و یدالله مع الجماعه)؛ دست خدا با جماعت است. این روایات یک واقعیت عینی را مطرح می‌کنند و آن این‌که مردم در حال تشکیل جمعی برای تحقق و نیل به یک هدف معقول می‌توانند از فهم و عقل و وجدان یکدیگر بهره‌برداری کنند و هریک از آنان کتابی گشوده در مقابل دیدگان دیگری باشد در آیات ۱۵۹ سوره آل عمران و ۳۷ و ۳۹ سوره شورا به موضوع شور و مشورت اشاره شده است.

در وسائل‌الشیعه در این باره آمده است: الصلح جائز بین المسلمین الا صلحاً احل حراماً او حرم حلالاً. صلح و سازش میان مسلمانان روا و جایز است؛ مگر صلحی که موجب حلال شدن حرامی و یا حرام شدن حلالی شود. سعی و کوشش برای ایجاد اصلاح میان مردم یکی از نکات اخلاقی است که در قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام اهمیت فوق‌العاده‌ای به آن داده شده است. از جمله آیاتی که در آنها خداوند به امر صلح پرداخته است، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد :

۱ و ان طائفتان من المؤمنین اقتلوا فأصلحوا بینهما

۲ انما المؤمنون اخوه فأصلحوا بین اخویکم و اتقوا الله لعلکم ترحمون

مؤمنان برادر یکدیگر هستند. بنابراین میان دو برادر خود صلح برقرار سازید و تقوای الهی پیشه کنید تا مشمول رحمت او شوید.

والصلح خیر، صلح و آشتی بهتر است.

در روایات اسلامی نیز موضوع اصلاح ذات‌البین از اهمیت بسیاری برخوردار است و به عناوین مختلف، مردم به این امر تشویق و ترغیب شده‌اند، به‌گونه‌ای که در بعضی از روایات از اصلاح میان مردم به‌عنوان بهترین صدقه و در برخی دیگر به‌عنوان بهترین عبادت یاد شده است:

۱ قال الصادق (ع): صدقه یحبها الله اصلاح بین الناس اذا تفاسدوا و تقارب بینهم اذا تباعدوا صدقه‌ای که خدا دوست دارد، اصلاح میان مردم است، هرگاه به اختلاف و فساد افتاده باشند و نزدیک ساختن آنها به یکدیگر هرگاه از هم دور شده باشند.

۲ لأن اصلاح بین اثین احب الی من ان اتصدق بدینارین؛ ایجاد الفت و اصلاح بین دو نفر که توسط من انجام گیرد، نزد من محبوب‌تر است از این‌که دو دینار در راه خدا صدقه بدهم.

۳ قال رسول الله (ص): (افضل الصدقه اصلاح ذات البین)؛ برترین و بالاترین صدقه، اصلاح میان مردم است.

### ۳. سازش در جرائم قابل گذشت:

یعنی جرائمی که با گذشت شاکی و متضرر از جرم تعقیب، رسیدگی یا اجرای حکم متوقف می‌شود، گذشت باید به‌صراحت و بدون هیچ‌گونه قید و شرطی باشد. بنابراین به گذشت مشروط و معلق در مراجع قضایی ترتیب اثر داده نخواهد شد. برای مثال شخص (الف) از شخص (ج) به‌عنوان فحاشی شکایت می‌کند ولی با وساطت آشنایان و فامیل‌ها از شکایت خود صرف‌نظر می‌کند. پس در رضایت‌نامه می‌نویسد که اگر (ج) تعهد کند که دیگر برای او ایجاد مزاحمت نمی‌کند و به او ناسزا نخواهد گفت، حاضر است رضایت دهد. به این‌گونه سازش -نامه‌ها که دارای قید و شرط است، در دادسرا و دادگاه ترتیب اثر داده نمی‌شود زیرا رضایت (الف) بسته به آن است که (ج) متعهد گردد در آینده مرتکب عمل موردنظر شخص (الف) نخواهد شد. از این‌رو اعلام رضایت باید بدون هیچ‌گونه ابهام و قید و شرط باشد.

### ۴. سازش در جرائم غیرقابل گذشت:

برخلاف دعوی خصوصی که متعلق به زیان‌دیده از جرم است، دعوی عمومی حق مدعی‌العموم یا دادستان می‌باشد در نتیجه دادستان یا هر مقام قضایی دیگری که عهده‌دار امر تعقیب است، مکلف می‌باشد دعوی عمومی را به جریان انداخته و تا رسیدن به نتیجه نهایی آن را پیگیری کند. بنابراین امکان صلح و سازش بین دادسرا و دادگاه با متهم وجود ندارد. اما در جرائم غیرقابل‌گذشتی که شاکی خصوصی نیز وجود دارد (مانند سرقت، کلاه‌برداری، خیانت‌درامانت و...)، اعلام گذشت شاکی در تخفیف مجازات متهم مؤثر می‌باشد.

### ۵. سازش در امور مدنی:

باید بدانید که هر یک از طرفین پرونده در هر مرحله از دادرسی می‌توانند دعوی خود را به طریق سازش خاتمه دهند. مبحث سازش و درخواست آن از دادگاه مستلزم رعایت شرایط مندرج در قانون آیین دادرسی در امور مدنی است که به شرح ذیل بیان می‌گردد. هر چند رویه موجود در محاکم قضایی بدین منوال است که سازش در دعاوی خانوادگی بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد اما می‌توان دامنه شمول آن را گسترش داده و به تمامی دعاوی مطروحه در محاکم تسری داد و از این اختیار قانونی استفاده کرد. در صورتی که خواهان و یا خواندگان متعدد باشند، هر یک می‌توانند جداگانه از سایرین با طرف خود سازش نمایند. باید بدانید که سازش بین طرفین دعوی یا در دفاتر اسناد رسمی واقع می‌شود یا در دادگاه و همچنین امکان حصول سازش در خارج از دادگاه نیز وجود دارد.

هرگاه سازش در دفاتر اسناد رسمی واقع گردد، دادگاه ختم موضوع (دعا) را به موجب سازش‌نامه در پرونده مربوطه قید می‌نماید و اجرای آن تابع مقررات راجع به اجرای مفاد اسناد لازم‌الاجرا خواهد بود. (مفاد سازش‌نامه اجرا خواهد شد). چنانچه سازش در دادگاه واقع شود، موضوع سازش و شرایط آن به ترتیبی که واقع شده، در صورت جلسه دادگاه منعکس و به امضای دادرس و طرفین پرونده خواهد رسید.

هرگاه سازش در خارج از دادگاه به عمل آید و سازش‌نامه غیررسمی باشد (باید بدانید چنانچه سازش در خارج از دادگاه به آید این سازش‌نامه غیررسمی است) طرفین باید در دادگاه حاضر شده و به صحت آن اقرار نمایند. اقرار طرفین در صورت جلسه دادگاه نوشته شده و به امضای دادرس و طرفین خواهد رسید و در صورتی که طرفین پرونده بدون وجود علت و عذر موجه در دادگاه حاضر نشوند، دادگاه بدون توجه به مندرجات سازش‌نامه، دادرسی را ادامه خواهد داد به عبارتی دیگر سازش‌نامه مورد توجه دادگاه قرار نخواهد گرفت.

بنابراین به اختلاف‌های موجود میان ۳ حالت فوق‌الذکر برای انجام سازش بین طرفین پرونده دقت کافی را بنمایید.

۱ سازش در دفاتر اسناد رسمی ۲ سازش در دادگاه ۳ سازش در خارج از دادگاه

با توجه به اینکه هر یک، شرایط مخصوص به خود را دارد می‌بایستی بر اساس شرایط همان قسمت عمل نمود.

باید بدانید که پس از ایجاد صلح و سازش بین طرفین دعوی، به شرح هر یک از موارد ذکر شده، دادگاه رسیدگی را ختم نموده و به جای صدور رأی، مبادرت به صدور گزارش اصلاحی می‌نماید. مفاد سازش‌نامه تنظیم شده نسبت به طرفین و وراثت و نمایندگان قانونی آنها نافذ و معتبر است و مانند احکام دادگاه‌ها به موقع به اجرا گذاشته خواهد شد.

هرگاه سازش محقق نشود، تعهدات و گذشت‌هایی که طرفین هنگام تراضی به سازش به عمل آورده اند لازم‌الرعایه نخواهد بود.

هر یک از طرفین پرونده در مورد هر ادعایی از دادگاه نخستین به صورت کتبی می‌تواند درخواست نماید که طرف مقابل او را به سازش دعوت نماید. ترتیب دعوت برای سازش همان است که برای احضار خواننده در قانون مقرر گردیده است ولی در دعوت‌نامه باید قید گردد که طرف برای سازش به دادگاه دعوت می‌شود.

نکته مهم قابل ذکر دیگر در این قسمت آن است که درخواست سازش با پرداخت هزینه دادرسی دعاوی غیرمالی و بدون تشریفات مطرح و مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

بنابراین چنانچه زمینه سازش را در پرونده خود مهیا می‌بینید، این امر را به اطلاع دادگاه برسانید تا طرف مقابل شما برای این امر به دادگاه دعوت شود و سایر اقدامات لازم در این زمینه از سوی دادگاه انجام گردد تا از طولانی شدن پرونده و پرداخت قسمتی از هزینه‌های دادرسی معاف گردید

## ۱-۵. دعوت خواننده به سازش

سازش قبل از اقامه‌ی دعوا در مورد ادعایی صورت می‌پذیرد که ممکن است یکی از طرفین نسبت به دیگری داشته باشد. منظور از ادعا، دعاوی حقوقی است. در مورد دعاوی کیفری نیز اگر رضایت یا گذشتی نسبت به شکایت‌های کیفری صورت پذیرد در دادگاه کیفری قابل استناد است. ۹

به‌منظور حل مشکل بین طرفین، یکی از آنها از دادگاه می‌خواهد که نقش واسطه را داشته باشد و مشکل و اختلاف بین طرفین با وساطت دادگاه فیصله یابد و طرفین به توافق برسند. بنابراین این نوع درخواست سازش، مرحله‌ای قبل از اقامه‌ی دعواست. به این صورت که طرفین به دادگاه دعوت می‌شوند و در دعوت‌نامه‌ی دادگاه باید قید شود که خواننده برای سازش دعوت می‌شود.

مرجع درخواست سازش دادگاه نخستین است، درخواست باید کتبی باشد و در دفتر ثبت دادخواست‌های دفتر کل ثبت شود. این درخواست در دو نسخه تنظیم می‌گردد و نسخه‌ای از آن به خواننده ابلاغ می‌گردد. هزینه‌ی این درخواست برابر دعاوی غیرمالی است. ۱۰

طرف احضار شده برای سازش می‌تواند از حضور در دادگاه استنکاف نماید یا کتباً اعلام کند که حاضر به سازش نیست و چنین دعوتی را نپذیرد یا اینکه در دادگاه حاضر شود اما از سازش خودداری نماید در صورتی که طرفین حاضر به سازش نباشند، دادگاه آن‌ها را به اقامه‌ی دعوا راهنمایی می‌کند

با توجه به توضیحات مطرح‌شده شرط مداخله‌ی دادگاه حضور و رضایت طرفین نسبت به سازش است. در صورت وقوع صلح و سازش بین طرفین دعوا، قرارداد سازش عقدی لازم تلقی می‌شود به این معنی که طرفین ملزم به رعایت آن هستند و هیچ‌یک از طرفین نمی‌تواند چنین سازشی را فسخ کند مگر در مواردی که قانون مشخص کرده است ۱۱

## ۵-۲. درخواست سازش در رابطه با ادعا:

به‌موجب مقررات، افراد می‌توانند در رابطه با پدیده‌های قضایی که هنوز پرونده‌ای بر آن تشکیل نشده و به‌صورت دعوا ثبت نگردیده است، از دادگاه درخواست سازش نمایند بدین توضیح که به دادگاه اعلام کنند که نسبت به موضوع فی‌مابین واسطه‌ی سازش شود. چنانکه قانون‌گذار در ماده ۱۸۶ ق.آ.د.م به آن اشاره نموده، در این‌گونه موارد باید در درخواست تقدیمی تقاضا شود که طرف مقابل به دادگاه دعوت شود. بدیهی است پس از حضور طرفین، دادگاه تلاش کافی جهت اصلاح و سازش خواهد کرد نتیجه مذاکرات صورت‌جلسه و به امضاء طرفین خواهد رسید چنانچه طرفین یا یکی از آنها از امضاء صورت‌جلسه خودداری کند مراتب توسط دادگاه منعکس خواهد گردید و هرگاه محرز شود که طرفین حاضر به سازش نیستند خواهان به طرح دعوا ارشاد خواهد شد. در هر حال استنکاف هر یک از طرفین از حضور در دادگاه مسئولیتی متوجه آن نخواهد کرد و در عین حال موضوع مشمول امر مختوم نخواهد بود یعنی خواهان و مدعی می‌توانند بار دیگر تقاضای احراز طرف مقابل جهت سازش نمایند. (در اعتبار امر مختوم مدنی باید حکم صادرشده باشد ولی در اعتبار امر مختوم کیفری به هر که صورت پرونده بسته شده باشد، آن را

مختومه اعلام می‌کنند). بدیهی است در صورت حصول سازش بین طرفین دادگاه اقدام به صدور گزارش اصلاحی خواهد نمود و گزارش مزبور در حکم رأی دادگاه خواهد بود. ۱۲

### ۳-۵. درخواست سازش در دعوا:

به این معنا که در هر مرحله‌ای از دادرسی طرفین می‌توانند دعوی خود را به سازش خاتمه دهند بدیهی است این تعبیر قانون‌گذار که اختیار رسیدگی به پرونده از طریق سازش را به طرفین داده است بیان کاملی نیست زیرا معمولاً اختیار امور در پدیده‌های مدنی در دست خواهان است. خواهان در هر زمان می‌تواند از دعوی خود دست بکشد و تقاضایی برگزاری جلسه سازش و اصلاحی نماید، ولی خوانده نمی‌تواند در مقابل اصرار خواهان به ادامه رسیدگی مسیر پرونده را عوض نموده و دادگاه را مکلف به برگزاری جلسه سازش نماید مگر آنکه گفته شود مقصود قانون‌گذار توافق طرفین به تغییر مسیر رسیدگی و برگزاری جلسه سازش است.

### ۶- دخالت نظام حاکم در حقوق:

۱ دخالت در امور حسبی- نقش حمایتی: در تشکیل پرونده، در اثبات، صدور و اجرای حکم دخالت می‌کند.  
 ۲ دخالت در امور کیفری - دفاعی: در تشکیل پرونده، صدور و اجرای حکم دخالت می‌کند ولی در اثبات دخالت نمی‌کند  
 ۳ دخالت در امور مدنی (امور غیر حسبی)- نظارت: فقط در صدور حکم دخالت می‌کند.  
 تذکر: با توجه به آنچه گفته شد درخواست سازش در تمام مراحل دادرسی مدنی جایز و رواست اعم از جلسه اول دادرسی یا در اسنای دادرسی یا در پایان دادرسی و قبل از اقدام ختم دادرسی، اعم از دادگاه بدوی و تجدیدنظر. درخواست سازش در تمام مراحل جایز می‌باشد، این موضوع غیر از تقاضای تجدید وقت جهت اصلاح و سازش که تنها برای یک بار با توافق طرفین انجام می‌گیرد یعنی هرگاه دو طرف تقاضا کنند که وقت رسیدگی تجدید شود تا در خارج با یکدیگر سازش کرده و نتیجه را به دادگاه اعلام کنند، که این حالت اصطلاحاً تجدید وقت نامیده می‌شود نه درخواست سازش.

### ۶-۱. سازش خارج از دادگاه در جریان رسیدگی

اما سازش خارج از دادگاه ممکن است نزد مأمورین رسمی صورت پذیرد، از جمله سازش در حین اجرای قرار. مانند قرار تحقیق محلی، معاینه‌ی محل و... در این صورت هرگاه سازش‌نامه توسط قاضی مجری قرار تنظیم شود، در حکم سازش به عمل آمده در دادگاه است.

همچنین سازش در دفتر اسناد رسمی نمونه‌ی دیگری است که طرفین دعوا می‌توانند در دفتر اسناد رسمی حاضر شوند و به‌واسطه‌ی سردفتر دعوای خود را به سازش خاتمه دهند. بنابراین سازش‌نامه به اعتبار نوع تنظیم آن توسط مأمور رسمی، به‌عنوان یک سند رسمی تلقی می‌شود. خصوصیت اسناد رسمی این است که لازم‌الاجرا هستند و برای اجرای آنها اصولاً مراجعه به دادگاه لازم نیست.

سازش خارج از دادگاه ممکن است بدون حضور مأمور رسمی و به‌موجب سند عادی یا توسط داور به انجام برسد و به‌این‌ترتیب است که طرفین خارج از دادگاه به توافق می‌رسند و سازش‌نامه تنظیم می‌کنند و باید پس‌از آن در دادگاه حاضر شوند و به صحت سازش اقرار نمایند. اقرار طرفین در صورت‌مجلس نوشته می‌شود و طرفین دعوا و دادرس آن را امضا می‌کنند، دادگاه یک گزارش اصلاحی که مفاد سازش‌نامه در آن درج شده است، تنظیم می‌نماید و در پایان، ختم دادرسی به سازش را اعلام می‌نماید. عدم حضور طرفین بدون عذر موجه در دادگاه و خودداری از اقرار به صحت سازش، موجب می‌شود که دادرسی ادامه یابد.

اگر خوانده هنگام تنظیم صورت‌مجلس حاضر به سازش نباشد، مانند موردی است که از ابتدا با انجام سازش موافق نبوده است. اما اگر پس از امضای صورت‌مجلس بخواهد از سازش عدول کند، این امر امکان‌پذیر نیست زیرا با امضای صورت‌مجلس، آثار حقوقی بر سازش مترتب خواهد شد.

سازش به‌وسیله‌ی داور نیز در موردی قابل‌پذیرش است که اختیار حل‌وفصل دعوا به شیوه‌ی صلح و سازش به داور اعطا شده باشد. اگر داور خارج از حدود اختیار خود، دعوا را به سازش ختم کند رأی او باطل است و قابلیت اجرایی ندارد<sup>۱۳</sup>. چنین سازش‌نامه‌ای یک سند عادی محسوب می‌شود و حضور طرفین در دادگاه و اقرار به صحت آن شرط اعتبار این سازش‌نامه و امکان استناد به آن مانند یک سند رسمی، است.

سازش میان طرفین به‌منزله‌ی یک عقد خصوصی است و در صورتی اجرا می‌شود که مخالف صریح قانون یا اخلاق حسنه نباشد<sup>۱۴</sup>. سازش‌نامه سندی است که مانند احکام دادگاه‌ها لازم‌الاجرا است و علاوه بر طرفین بین وراث و قائم‌مقام قانونی آن‌ها معتبر است و دادگاه می‌تواند به درخواست متعهد له برای اجرای مفاد آن اجراییه صادر نماید<sup>۱۵</sup>.

## ۷- ماهیت گزارش اصلاحی

گزارش اصلاحی، از نظر ماهوی یک قرارداد واقعی است و اعتبار و اثر آن تابع قواعد عمومی قانون مدنی است. بنابراین اگر ایجاب این سازش نزد دادرس واقع شود، پیش از قبول طرف دیگر اثر حقوقی ندارد. به همین جهت، ماده ۱۸۵ قانون آیین دادرسی مدنی اعلام می‌کند: «هرگاه سازش محقق نشود، تعهدات و گذشت‌هایی که طرفین هنگام تراضی به سازش به عمل آورده‌اند، لازم‌الرعايه نیست.» تنظیم گزارش اصلاحی عملی قضایی نیست و به همین دلیل، از اعتبار امر قضاوت شده استفاده نمی‌کند. دو طرف سازش، درعین‌حال که مانند سایر پیمان‌گذاران باید مفاد قرارداد را محترم شمارند، می‌توانند ابطال آن را به سبب مخالفت بانظم عمومی یا اشتباه و اکراه از دادگاه بخواهند همچنین حق دارند فسخ سازش را به سبب تدلیس، عیب و امثال



آن تقاضا کنند، مگر این که از لوضاع و احوال برآید که از حق خیار خود گذشته‌اند و مایل‌اند، به گونه‌ای قاطع، به دعوا پایان بخشند؛ وانگهی، ماهیت قراردادی که بسته می‌شود «صلح» است.

## ۸- نتیجه‌گیری:

اگرچه دسترسی به محاکم دادگستری حق شهروندان است و آنان حق مراجعه به مراجع رسمی برای حل اختلافات خود را دارند، اما همیشه توصیه شده است که اختلافات از طریق صلح و سازش حل‌وفصل شوند. در قوانین و مقررات مختلفی راهکارهای صلح و سازش بیان شده است. با وجود این شهروندان به‌طور معمول با بالا گرفتن اختلاف کمتر به فکر صلح و سازش و مزایای آن هستند. راهکارهای نظام حقوقی در خصوص صلح و سازش، تصویب قوانین از طرف قانون‌گذار مبتنی بر فلسفه روابط افراد با یکدیگر و نیز رابطه انسان با اشیا صورت می‌گیرد که با دو هدف انتظام امور حال و فعلی با توجه به منافع گروه حاکم در جامعه و نیز در جهت رتق‌وفتق امور به‌صورت بهینه در برنامه‌گذاری درازمدت در آینده صورت می‌گیرد. اما با توجه به اصول حقوقی چه در ضوابط شرعی و چه در ضوابط عرفی، امور می‌تواند بر مبنای آزادی اراده رتق‌وفتق شود، مگر امور خاص که مصلحت عموم اقتضا و اجرای آن را ضروری می‌بیند.

در عین حال قانون آیین دادرسی مدنی در موارد ۱۷۸ الی ۱۹۳ قواعد و ضوابط صلح و سازش را تعیین کرده است که در ماده ۱۷۸ این قانون اعلام می‌دارد: در مرحله‌ای از دادرسی مدنی، طرفین می‌توانند دعوی خود را به طریق سازش خاتمه دهند که این ضوابط در مواردی که اعلام‌شده صورت‌بندی و مندرج است که یا به‌صورت رسمی یعنی با سند رسمی در دفترخانه اسناد رسمی صلح و سازش خود را ثبت کنند یا در جلسه دادگاه اعلام سازش می‌کنند و در صورت جلسه دادگاه قید و به امضای طرفین می‌رسد. البته در صورت سازش در دادگاه، دادگاه مبادرت به تصمیم قضایی به‌صورت گزارش اصلاحی می‌کند که این رأی به‌مثابه احکام قطعی دادگاه‌ها به مرحله اجرا درمی‌آید و مفاد صورت‌جلسه صلح و سازش به هر نحو که مغایر قانون نباشد، در مورد ورثه و قائم‌مقام قانونی آنان لازم‌الاجرا است.

برابر قانون آیین دادرسی مدنی، دادگاه‌های مدنی تکلیف دارند قبل از اقدام به رسیدگی ماهیتی در دعوا، به طرفین تکلیف صلح و سازش کنند و در صورتی که طرفین راضی شوند به پیشنهاد دادگاه یا به توافق یکدیگر موضوع را ختم و دعوا را به داور داور ارجاع دهند. طرفین یا اصحاب دعوی می‌توانند توافق نمایند که اختلافات بین خود را که از یک رابطه حقوقی معین به وجود آمده و یا به وجود خواهد آمد اعم از اینکه این رابطه قراردادی یا غیر قراردادی باشد، به داور ارجاع نمایند. تأسیس حکمیت و داور در سراسر جهان کنونی مورد توجه و اقبال است و با توجه به خصائص برجسته داور و اجرای بهتر آراء آن از یک طرف و مشکلات عدیده‌ای که بر سر راه رسیدگی‌های قضایی وجود دارد از سوی دیگر، موجب گردیده تا از داور استقبال شده و گرایش به حل‌وفصل دعاوی از طریق داور بیشتر شود.

در این فرآیند نکته مهم آن است که معمولاً طرفین دعوی به شخصیت کسانی که به مسائل آنها رسیدگی می‌کنند، اهمیت می‌دهند. در نظام دلوری، طرفین به اختیار خود داور یا داوران را معین می‌کنند. جلسات رسیدگی هم ممکن است از قواعد شکلی متبع سازمان قضایی رسمی فارغ و آزاد باشد و نیز در دلوری رسیدگی غیرعلنی است و این امر که تضمین‌کننده محرمانه بودن یا سری ماندن مسائل طرفین است، هم در مسائل مدنی و هم در امور اقتصادی و تجاری، قابل توجه است.

با توجه به آنچه گذشت و با عنایت به فواید دلوری و نقش مثبت و سازنده آن به‌عنوان یک نهاد مترقی در حل اختلافات اشخاص و حتی دعاوی مهم تجاری بین‌المللی بدیهی است که آشنایان با جنبه‌های مختلف و ارکان و شرایط این تأسیس حقوقی و نحوه رسیدگی و اصول حاکم بر آن، می‌تواند کمک شایانی به انتخاب این شیوه در حل و فصل منازعات افراد نموده و از بار سنگینی که بر دوش دادگستری است، برداشته و دادگاه‌ها بتوانند با فراغ بال و آسودگی بیشتر به امور مهم مرتبط به نظم عمومی بپردازند.

با توجه به تجربه موفق حاصله از شکل‌گیری شوراهای حل اختلاف و ضرورت تغییرات ساختاری در این نهاد نوپا، امید می‌رود با فراهم ساختن بسترهای حمایتی، نقش این شورا به‌منظور قضا زدایی و دلالت نمودن مردم به مراجع غیر قضایی و حل و فصل اختلافات از طریق صلح و سازش و کاهش پرونده‌های مراجع قضایی و تسریع در رسیدگی و جلوگیری از اطاله دادرسی و ارتقاء جایگاه فرهنگ صلح و سازش و حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات، به‌مراتب پررنگ‌تر از قبل گردد.

#### فهرست منابع:

- ۱ قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، ج ۴، ص ۱۴۱، دار الکتب الإسلامیة، تهران، چاپ ششم، ۱۳۷۱ ش.
- ۲ نراقی، مولی محمد مهدی بن ابی ذر، انیس التجار، ص ۳۸۷، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، اول، ۱۴۲۵ ق.
- ۳ طاهری، حبیب الله، حقوق مدنی، ج ۴، ص ۵۰۵، جامعه مدرسین، قم، دوم، ۱۴۱۸ ه. ق.
۵. خمینی، سید روح الله موسوی، توضیح المسائل (محشوشی امام خمینی)، ج ۲، ص ۳۱۳، جامعه مدرسین، قم، هشتم، ۱۴۲۴ ه. ق.
- ۶ انیس التجار، ص ۳۸۸.
- ۷ خمینی، سید روح الله موسوی، نجاه العباد، ص ۲۴۴، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، اول، ۱۴۲۲ ه. ق.
- ۸ راوندی، قطب الدین، سعید بن عبدالله، فقه القرآن، ج ۱، ص ۳۵۴، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۵ ه. ق.
- ۹ زراعت، عباس، ۱۳۸۶. محشای قانون آیین دادرسی مدنی. تهران: انتشارات ققنوس.
- ۱۰ زراعت، عباس، همان.
- ۱۱ حیاتی، علی عباس ۱۳۸۴. شرح قانون آیین دادرسی مدنی. تهران: نشر سلسبیل.
- ۱۲ شمس، عبدالله، ۱۳۸۷. آیین دادرسی مدنی. تهران: انتشارات ادراک.
- ۱۳ مهاجری، علی، ۱۳۸۰. شرح قانون آیین دادرسی مدنی دادگاه‌های عمومی و انقلاب. تهران: انتشارات گنج دانش.